

▪ **سال بیست و هفتم ▪ شماره ۷۶۲۱ ▪ پنجشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۰**

<div><div><span></span><div><div><span><span></span></span></div><div><div>ایران</div></div></div></div></div>	<div>تلفن: ۰۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۰۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۰۸۸۷۶۹۰۷۵ پایگاه: ۰۲۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸ مستدوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۰۸۸۷۴۸۸۰۰</div> <div>چاپ: شرکت چاپ جام‌چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی چاپخانه جام چم پرتز برنا</div> <div>سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)</div> <div>انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۰۸۸۵۴۸۸۹۲-۵</div> <div>http://iranpaper.ir</div>
<p>اذان ظهر ۱۳/۰۱   اذان مغرب ۱۵/۲۰   نیمه شب شرعی ۱۳/۰۰   اذان صبح فردا ۴/۳۱   طلوع آفتاب فردا ۶/۰۶</p>	

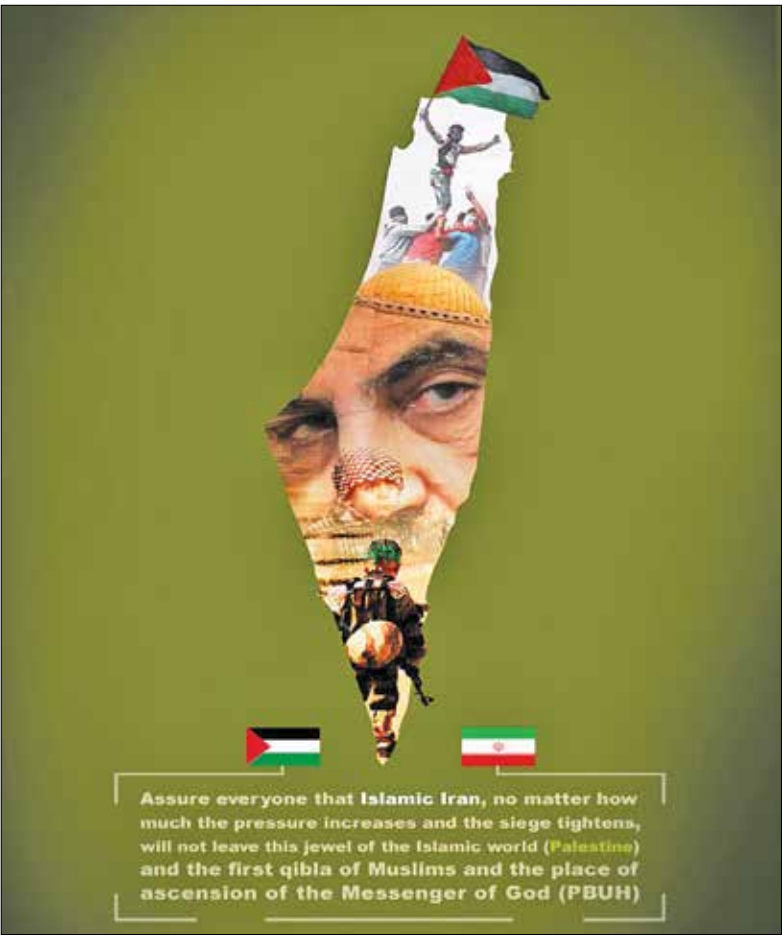
**پيامبراکرم(ص):**

به فرزندان خود احترام بگذاريد و آنها را نيکو تربيت کنيد تا مورد غفران پروردگار قرار گيريد.

**سخن روز**

**بحارااتوار،ج ۰۴،ص ۹۵**

نگاره



## #واکسن

دیروز کاربران زیادی با انتشار عکس‌هایی از مراکز بهداشت در تهران از شلوغی صف‌های تزریق واکسن نوشتند. خیلی‌ها به این مسأله اشاره می‌کردند که پس از صدور دستور تزریق واکسن بدون نوبت برای افراد بالای ۸۰ سال این ناهماهنگی و بی‌نظمی به‌وجود آمده‌است. عکس‌ها فیلم‌هایی را از این صف‌ها در شبکه‌های اجتماعی دیدیم و کاربران از این ناهماهنگی گلایه می‌کردند: «نتیجه دستور «اگر افراد بالای ۸۰ سال بدون اطلاع و بدون هماهنگی به مراکز تزریق واکسن مراجعه می‌کنند، واکسن تزریق شود» به روایت تصویر»، «مسئول ثبت‌نام خانه بهداشت شهر آرا پاره کاغذی مهر می‌کند: «من رفتم مرکز بهداشت محل خودمون و فقط نوبت می‌دادند و کارت شناسایی رو برای وقت تزریق می‌خواستن. ملوک‌الطوایفی تو خون مونه. وحدت رویه که اصلاً کشک»، «چرا باید با سالمندان اینگونه رفتار شود؟ چند روز قبل مصاحبه‌ای از شبکه تلویزیون داخلی با یکی از مسئولان در حال پخش بود که طبق اظهارات فرد مسئول، جمعیت سالمندان را یک میلیون و خرده‌ای اعلام کرد. تا چه اندازه بی‌برنامگی،



مهر می‌کند: «من رفتم مرکز بهداشت محل خودمون و فقط نوبت می‌دادند و کارت شناسایی رو برای وقت تزریق می‌خواستن. ملوک‌الطوایفی تو خون مونه. وحدت رویه که اصلاً کشک»، «چرا باید با سالمندان اینگونه رفتار شود؟ چند روز قبل مصاحبه‌ای از شبکه تلویزیون داخلی با یکی از مسئولان در حال پخش بود که طبق اظهارات فرد مسئول، جمعیت سالمندان را یک میلیون و خرده‌ای اعلام کرد. تا چه اندازه بی‌برنامگی،

### فدراسیون و پرسپولیس به‌نام شستا

دیروز خبری از یک انتقال منتشر شد که فوتبالی‌ها را شوکه کرد. سند ساختمان فدراسیون فوتبال و ۳ دانگ ساختمان پرسپولیس به‌خاطر بدهی ۳۰ میلیارد تومانی به مارک ویلموتس به‌نام شستا شد و این مسأله انتقاد فوتبال دوستان را همراه داشت: «موضوع توقیف ساختمان فدراسیون از سوی شستا در شرایطی به نتیجه رسید که فدراسیون فوتبال و وزارت ورزش در تمام مدتی که فرصت داشتند در این دعوا افکار عمومی را با خود همراه کنند، تنها سعی کردند غبار را زیر فرش پنهان کنند. حیرت‌انگیز است که تا این حد صحبت‌های ضدونقیض درباره پرداخت این بدهی منتشر شده‌است»، «شرکت شستا اعلام کرد ما هیچ مطالبه و دعوایی علیه باشگاه پرسپولیس نداشتیم و فدراسیون فوتبال تصمیم گرفت ساختمان باشگاه پرسپولیس رو به ما واگذار کنه»، «ساختمان باشگاه پرسپولیس ۵طبقه‌است. اگر هر طبقه ۱۵۰ متر و اگر متری ۷۰میلیون در نظر بگیریم ۳دانگ این ساختمان کمتر از ۳۰میلیارد ارزش دارد. سؤال اساسی اینجاست که آیا فدراسیون فوتبال ۲۰میلیارد تومان نداشته



### مهتاب نصیر پور: باز نگری هنوز به رسمیت شناخته نمی‌شود

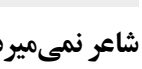
چهاردهم اردیبهشت ماه روز جهانی بازیگر بود، به‌همین مناسبت روز گذشته مطالب گوناگونی در صفحات مجازی منتشر و میان بازیگران هم تریک‌هایی رد و بدل شد. این تریک‌ها حتماً برای بازیگران دلچسب است، ولی طبیعتاً همه واقعیت روز بازیگر نیست، زیرا این روز هم مانند هر روز دیگر فرصتی است برای آن قشر خاص تا از مشکلات و دلمشغولی‌های خود بگویند؛ دلمشغولی‌هایی که در دوران کرونا بارها بیشتر هم شده‌است. نمی‌توانیم حقیقت را کتمان کنیم، بازیگری شغل است، ولی شغلی که در جامعه ما به رسمیت شناخته نمی‌شود. رشته بازیگری در وزارت علوم تعریف شده و در دانشکده‌های گوناگونی تدریس می‌شود ولی همین که وارد بازار کار می‌شویم، هیچ تعریفی برایمان نیست. این درد بسیاری از همکاران ماست که چاره‌ای هم برایش نداریم.

بخشی از گفته‌های این بازیگر و مدرس بازیگری با ایستا

قاسم آهنین‌جان ۲۶شهریور ۱۳۳۷ در اردبیل به دنیا آمد. اوشاعر، منتقد ادبی و فیلمساز ایرانی بود و فعالیت هنری‌اش را از سال ۱۳۶۴ آغاز کرد و در طول حیات ۶۳ساله‌اش بیش از ۱۱جلد کتاب به چاپ رساند که کتاب «پجگی‌ها در شب سفاخانه» کتاب برگزیده سال ۱۳۸۶کشور شد. آهنین‌جان شامگاه سه‌شنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۰ به دلیل ابتلا به سرطان در اهواز در گذشت؛ شعر آهنین‌جان به تناسب

### در غم فقدان شاعری دلباخته

خبر درگذشت شاعر پیشکسوت آیینی مرحوم قاسم آهنین‌جان موجب تأثر و تأسف شد. فقدان این شاعر دلباخته اهل بیت و تصویرگر حماسه‌سازی‌های دوران پرافتخار دفاع مقدس را به جامعه ادبی یوزبه صاحب فرهنگ و ادب استان خوزستان و خانواده و علاقه‌مندان آن مرحوم تسلیت می‌گویم.از درگاه خداوند منان، برای آن فقید سعید رحمت واسعه و علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر مسألت دارم.



سیدعباس صالحی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

### شاعر نمی‌میرد یا می‌میرد تا بماند

قاسم آهنین‌جان شاعر و دوست من هم رفت. شاعر نمی‌میرد یا می‌میرد تا بماند. قاسم شاعری بود و برای شاعری به دنیا آمده بود، یعنی به دنیا آمده بود تا شاعر باشد و اتفاقاً شعرهای درخشانی هم از خود به یادگار گذاشت و معلوم است که من امروز از بابت مرگ او دلشکسته‌ام. امروز فقدان او کاری با من کرده که دست و دلم به هیچ کاری نرود. حتی نوشتن درباره رفیق قدیمی که امروز دیگر نفسش در این دنیا نیست؛ در بودنش درباره‌اش نوشته‌ام و حالا فقط می‌توانم فقدانش را غصه‌دار باشم و به یک عمر دوستی با او فکر کنم. او همان‌طور زندگی کرد که می‌خواست؛ که می‌توانست. همه زندگی و هویت او شده بود شعر و از هیچ تلاشی برای نمایاندن شعرش دریغ نمی‌ورزید. او به غایت تنها و به غایت پرجمعیت بود و این پرجمعیتی همیشه می‌گفتم و می‌گویم که از تنهایی اومی‌آمد و از بابت ارتباط و یادگیری و تجربه. من اینجا قصد بررسی او و جهان شعری‌اش را ندارم بلکه باخود مرور می‌کنم که خطرات بسیاری با او دارم و می‌دانم روزهایی در آینده دلم برای شوخی‌های تصویری او تنگ می‌شود. همان‌طور که آمد، قاسم ذاتا شاعر بود و هیچ چیز نمی‌توانست او را از این ذاتا شاعری و ذاتا جنون داشتن جدا کند که شاعر بدون جنون معنی نمی‌گیرد. امسال به نظر می‌رسد اصلاً سال خوبی نباشد و وقتی شاعری در اردیبهشت ماه می‌میرد دیگر به چه چیز این جهان

### گذر از تپه بی‌تول یا افتادن در چاه بی‌دلو

نور شدید آفتاب، چشمان ماهی آبی کوچولورا به‌شدت آزد. به‌اطراف نگاه‌کرد. اطرافش پر از ماهی‌های نیمه‌جان و بی‌جان بود. همگی روی عرشه‌کشتی، گرفتار میان تورهایبگیری، صدای موسیقی، آواز مرغ دریایی، صدای اوجا، صدای خنده ملوان‌ها، برایش ناگزای داشت. اینها، صدای عدم بودند. حرف‌های پدربزرگ را به‌خاطر آورد: «در دنیای عدم، چندتانبه بیشتر نمی‌توانی زنده‌بمانی. آنجا صداهایی را نمی‌شنوی که تا به‌حال شنیده‌ای اما نمی‌دانم ارزش‌اش را دارد که جان‌ات را برایش بدهی یا نه.» ارزش‌اش را دارد؟ ر صداهای جذاب و حیرت‌انگیزی که تا چند لحظه پیش شنیده بود، آرام به سکوت تبدیل شد. ناگهان، یک موج بلند، افتاد روی عرشه، او و چندتانی از ماهی‌ها را به دنیای خودشان برگرداند. ماهی آبی کوچولو، زنده ماند و دو داشت، با دقت به صداهایی گوش می‌داد که قبل از تجربه دنیای عدم، به آنها توجهی نکرده بود. چقدر صداها در آب، آرام و دلنشین بودند! «صدا»، یکی از موضوعات داغ این روزها شده‌است. آن هم به مدد فضای مجازی، اپلیکشنی آمده به‌نام «کلاب‌هاوس» که مبتنی بر صوت و صداست و حسایی هم سر و صدا به پا کرده. سرعت اقبال بسیاری از جوانان و میاسالان به این آب، واقعاً شگفت‌انگیز بود. البته سرعت فیلتر و از دسترس معمول خارج کردن آن، حیرت‌انگیزتر. هر پدیده تازه‌ای، همواره با خود مزایا و مضراتی دارد. آنچه که خردمندی، حاکم باشد، تعادل ایجاد می‌شود و جامعه هم از آن پدیده، به انتفاع می‌رسد. حالا می‌پبینم که افراد جامعه‌ما، هر یک به‌دنبال ایفای نقش سازنده هستند. هر کدام، می‌خواهند جامعه آرمانی‌شان را تصور کنند و دیگران را با تصویر آن آشنا، خب، فضای مجازی این فرصت را به‌همان‌امی دهد تا بتوانیم این کارها را انجام دهیم. حالا اگر به‌جای تعامل درست، ایراد دیالوگ دقیق و واقع‌بینی، چیزهای دیگری را همچون جریان افراطی، سلطه‌گری یا بحث اشتباه، جایگزین کنیم، اوضاع خراب می‌شود. کلاب‌هاوس، به مخاطبش کمک می‌کند نقشی که دوست دارد ایفا کند، موقتی است، برقراری دیالوگ را تسهیل کرده و تعامل را آسان. پس مخاطب با سرعت به آن روی آورد و البته آسیب‌هایش می‌شود؛ وقت گذاشتن بی‌حساب و کتاب و شبانه‌روزی در آن. می‌شود مطرح کردن مباحث بی‌فایده و بعضاً آزارنده. می‌شود تلاش برای سلطه‌گری روی افکار و عقاید دیگران. می‌شود رواج دیالوگ‌های اشتباه، و البته خیلی چیزهای دیگر، اگر به صداهای تازه با دقت و حساسیت گوش بسپریم، صداهای جاری زندگی، برایمان شنیدنی‌تر می‌شوند. حواسمان باشد که فضای مجازی، دنیای عدم را مقاب‌ب‌ماهی‌های کوچولو درون‌مان‌باشیم.

### هنر و روان



منیر خلیلیان

روان‌درمان‌گر

### بی‌معنی‌های زیبا

با همکاری و همراهی ۶ شاعر کودک دوجمعه شعر منتشر کردیم که برای کودکان پیش دبستانی و اوایل دبستان مناسب است اما محال وهوای شعرها به‌گونه‌ای است که آدم بزرگ‌ها هم می‌توانند از آن لذت ببرند. اشعار کتاب‌های «اسمش چیست؟» و «هیچ‌هیچ‌هیچانه» را بابالهام از شعرهای عامیانه قدیمی سرودیم و به همین دلیل جذابیت خاصی برای بچه‌ها دارد که با آنها بازی‌های کلامی انجام دهند. مانند همان شعرهای قدیمی «اتل مثل» یا «به‌توپ دارم قلقلیه» که شاعران شان مشخص نیست. در فارسی به این گونه شعرها مهمل گفته می‌شود. اشعاری که معنا و موضوع خاصی ندارند ولی معنی هستند و در عین بی‌معنی بودن یک هماهنگی و زیبایی در این گونه شعرهاست که روح نواز و برای بچه‌ها شادی آور است. نام «هیچانه» به همین اشعار مهمل ولی معنی اشاره دارد.

من همراه مصطفی رحماندوست، افسانه شعبان‌نژاد، اسدالله شعبانی، شکوه قاسم نیا، بابک نیک‌طلب و بیوک ملکی دوهرم جمع شدیم و سال‌ها در این زمینه کار کردیم و تا تعداد زیادی شعر که با این حال و هوا سروده بودیم بهترین‌ها را برای انتشار در این دو کتاب انتخاب کردیم. کتاب‌هایی که موفق هم بودند و استقبال خوبی از آنها شد. «اسمش چیست؟» و «هیچ‌هیچ‌هیچانه» با نقاشی‌های زیبایی هم چاپ شده و همان‌طور که چند شاعر اشعار را سروده‌اند از کارهای تصویرگرهای مختلف هم برای تصویرگری کتاب استفاده شده است. پیشنهاد می‌کنم بچه‌ها همراه پدر و مادر و اعضای خانواده یا بحث این کتاب‌ها و اشعارشان را بخوانند و حفظ کنند. چون این شعرها موسیقی و موضوعات طنز هم دارند و می‌توانند کودکان را شاد و به بازی‌های شاد دعوت کنند و هم بچه‌ها می‌توانند با آنها آواز بخوانند.

- «اسمش چیست؟» و «هیچ‌هیچ‌هیچانه»**
- نویسنده‌گان: جعفر ابراهیمی، مصطفی رحماندوست، افسانه شعبان‌نژاد، اسدالله شعبانی، شکوه قاسم نیا، بابک نیک‌طلب و بیوک ملکی**
- نشر: افاق**
- سال انتشار: ۱۳۹۸**



**دعای روز بیست وسوم و بیست و چهارم**

**ماه مبارک رمضان**

اَللّهُمَّ اغْسِلْنِي فِيهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَطَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الْعُيُوبِ وَامْتَحِنْ قَلْبِي فِيهِ بِتَقْوَى الْقُلُوبِ بِاُمْلِلْ عَثَرَاتِ الْمَذْنِبِينَ

خدايا در اين ماه از گناهانم شست وشويم ده و از عيب‌ها پاك كن و دلم را به پرهيزكارى دلها بيازماي، اى نادیده‌گيرنده لغزش‌هاى اهل گناه.

اَللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِيهِ مَا يَرْضِيكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِمَّا يُوْذِيكَ وَ أَسْأَلُكَ التَّوْفِيقَ فِيهِ لِأَنَّ طَبِيعَكَ لَا تَأْصِيبُكَ بِأَجْوَدَ السَّالِكِينَ
خدايا در اين ماه آنچه‌تو را بخشود می‌کند از تو درخواست می‌کنم، و از آنچه‌تو را ناخشود می‌کند به‌تو پناه می‌آورم، و از تو در اين ماه توفيق اطاعت و ترک نافرمانی ات را خواستارم، اى بخشنده به‌نیازمندان.

روز بیست وسوم ماه رمضان

### ای خدای بخشنده و مهربان!

در دل این روز و شب های پر نور رمضان چه رازی قرار داده‌ای که من از درکشان عاجزم و قدرشان را نمی‌دانم؟ تنها حس می‌کنم در لحظات بیشتری به یاد تو نفس می‌کشم و به این درک رسیده‌ام با این که بنده خوبی برایت نیستم اما تو از دست من و خواسته‌های بی دری پی من خسته نمی‌شوی، حتی می‌دانم که با این همه بخشش و توبه‌پذیری چیزی از بزرگی تو کم نمی‌شود؛ حالا در بیست و سومین ایستگاه میهمانی رمضان، با همه سلول‌های تشنه و مشتاقم از تو درخواست می‌کنم که درهای رحمت و بخشش ات را به روی ما باز کنی و ما را از برکات این ماه عزیز سیراب کنی. همین.

روز بیست وچهارم ماه رمضان

### ای خدای بی‌نیاز و بنده نواز!

تو آنقدر بزرگ و مهربان هستی که حتی با کسی که تو را انکار می‌کند یا در خانه ات نمی‌آید و از تو چیزی طلب نمی‌کند هم بسیار می‌بخشی و او را از خود نمی‌راننی. چه رسد به آنها که بندگی می‌کنند و دست‌نیاز به سوی تو بلند کرده‌اند. در ایستگاه بیست و چهارم ماه میهمانی رمضان دست‌های خالی و نیازمندم را به سمت تو دراز می‌کنم و از تو می‌خواهم چشم‌روى گناهانم ببندی و گره از انبوه مشکلاتم باز کنی. همین.

### روزه و تربیت نفس

قسمت اعظم شخصیت انسان با تربیت منقذ می‌شود. تربیت یعنی عادت دادن. این عادت دادن با تمرین و تکرار منظم حاصل می‌شود. تمرین و تکرار در روح، عادت و به اصطلاح قدما «ملکه»، ایجاد می‌کند و به اصطلاح جدید، شخصیت اخلاقی می‌سازد. در اسلام بعضی از عبادات به صورت تکرار منظم تشریع شده، مثل نماز در همه سال و همه عمر و روزه در سی روز پشت سر یکدیگر. در این‌گونه عبادات مخصوصا باید به جنبه تکرار منظم آنها توجه داشت. روح انسان مثل بدن انسان با ورزش و تکرار عمل عوض می‌شود، آمادگی و نیرو و مهارت پیدا می‌کند:

غازیان طفل خویش را پیوست / تیغ چوبین از آن دهند به دست
که چو آن طفل مرد کار شود / تیغ چوبینش ذوالفقار شود

اگر کسی سی روز منظم آ ورزش کند حتماً عضلاتش محکم و نیرومندتر می‌شود. اگر کسی سی روز تمرین مشق خط و یا موسیقی و یا تیراندازی کند بالاخره فی‌الجمله مهارتی در او پیدا می‌شود. در بعضی ملل قدیم، کودکان خود را از کودکی مشق سربازی می‌دادند – مثل اسپارت‌ها – و در بعضی ملل، مشق دیگر. در اسلام، روزه مشق و تمرین پرهیزکاری است. در اثر روزه، این مشق عمومی و این ورزش روحی عمومی، ما نیرو و مهارت در تقوا پیدا می‌کنیم. چگونه ممکن است انسان سی روز مشق پرهیزکاری کند، تشنه بشود و آب حاضر باشد و هیچ مانعی از خارج وجود نداشته باشد و آب نخورد و ملکه پرهیزکاری در او پیدا نشود؟!

در حدیث است: لایستقیم ایمان عبد حتی یستقیم قلبه و لایستقیم قلبه حتی یستقیم لسانه. (نجاح البلاغه، خطبه ۱۷۴) به نقل از رسول اکرم(ص): ایمان بنده مستقیم و استوار نیست تا اینکه دل او استوار باشد، و دل او استوار نیست تا اینکه زیانش استوار باشد. در حقیقت این حدیث می‌گوید چندان باید راست گفت تا «راستگو» شد. در روزه نیز باید گفت چندان باید از مشتهیات نفسانی پرهیز کرد تا «پرهیزکار» شد. راست گفتن غیر از راست بودن و راستگو بودن است، همچنین پرهیز کردن غیر از پرهیزکار بودن است. پرهیزکاری وقتی است که حالت روح انسان شده باشد. به هر حال تنها نباید متوجه این جهت شد که روزه ریاضت است؛ مخصوصاً باید متوجه جنبه تکرار منظم آن در سی روز که هر سال هم مکرر می‌شود، شد و فایده تمرین را باید از نظر دور داشت.

اگر بنا باشد که ماه مبارک بیاید و انسان سی روز گرسنگی و تشنگی و بی‌خوابی بکشد و با روز آخر شعبان یک ذره هم فرق نکرده باشد، چنین روزه‌ای برای انسان اثر ندارد. چرا در روایات ما آمده است که بسیاری از روزه‌داران هستند که حظ و بهره آنها را روزه جز گرسنگی چیزی نیست؟ بستن دهان از غذای حلال برای این است که انسان در آن سی روز تمرین کند که زبان خود را از گفتار حرام ببندد، غیبت نکند، دروغ نگوید، فحش ندهد.

#### یک دقیقه با خدا



عبدالرحیم

سعیدی راد

شاعر و پژوهشگر

#### ماه میهمانی خدا



آیت‌الله‌شهید

مرتضی مطهری